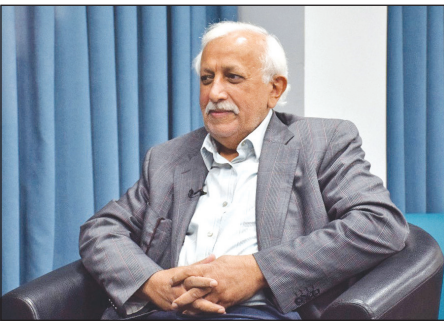


محمد کیهانی
فعال سیاسی

این روزها پیشنهاد گفت و گو نقل همه محافل سیاسی است. برخی نمایندگان مجلس اعلام کرده اند که باید با معتز ضاح گفت و گو کرد. اجرای این پیشنهاد شرایط و پیش شرط هایی دارد که ساده ترین شکل آن پذیرش طرفین است. بدین مفهوم که طرفین قبل از هر گفت و گویی باید یکدیگر را بپذیرند و در یک شرایط مساوی و برابر به گفت و گو با یکدیگر بپردازند. در این صورت از نوع نظرات یکدیگر به صورت عمیق باخبر خواهند شد. همچنین شرایطی باید فراهم شود به گونه ای که هیچ یک، دیگری را از موضع برتر نبیند و از سویی کسی احساس جایگاه پایین تر در گفت و گو نکند و در مجموع محیط و شرایط گفت و گو فراهم باشد. در این صورت است که می توان از گفت و گوی دو طرفه به منظور حل مشکلات سخن به میان آورد و به نتایج آن امیدوار بود. در این میان به نظر می رسد احزاب نقش زیادی در برقراری این گفت و گو دارند. احزاب از بدنه جامعه شکل گرفته است به همین دلیل هم باید به عنوان یک نهاد واسطه خواست ها و مطالبات و برآوردی که از جامعه دارند را با زبان و ادبیات استاندارد و قابل قبول به طرف مقابل انتقال دهند. در حقیقت کار احزاب ساده سازی و استاندارد سازی مطالبات مردم در چار چوب جامعه و انتقال آن به حاکمیت و بخش های مختلف است به هر روی امیدواریم که احزاب بتوانند منشأ اثرات خیر در گفت و گوی احتمالی باشند. احزاب به عنوان نماینده های مردم در جایگاه و اجتماعات مختلف حضور دارند. البته احزاب به ویژه احزاب اصلاح طلب در شرایط و فضای موجود فاقد پست ها در نهادها و ارگان های دولتی هستند از این منظر کار برای آنها دشوار است. بنابراین احزاب از دل همین مردم عادی یعنی دانشجو، کار گر، معلم و... تشکیل شده اند و به همین دلیل به آسانی می توانند بخشی از جامعه را نمایندگی کنند. به طور مثال نمی توان گفت که اعضای یک حزب نمایندگی کل مردم را بر عهده دارند بلکه نمایندگی بخشی از جامعه را می توانند بر عهده داشته باشند. احزاب اصلاح طلب که شورای هماهنگی هم دارند بر سر کلیات با یکدیگر توافق دارند. شورای هماهنگی خواه و ناخواه بخشی از جامعه را نمایندگی می کنند به همین دلیل هم می توانند نماینده بخشی از جامعه و اساساً حد فاصل میان مردم و حاکمیت باشند. اگر این شرایط از سوی دولت ها پذیرفته شود آنگاه احزاب می توانند مطالبات مردم را به دولت منتقل کنند.

احتمال بازگشت پرونده ایران به شورای امنیت وجود دارد



وضعیت دیپلماتیک ایران و غرب شرایط پیچیده ای را تجربه می کند و شاهدیم که مواضع غربی ها روز به روز علیه ایران تندتر می شود و حالا آنها علاوه بر اتهاماتی که در حوزه فروش پمپا به روسیه می زنند، سعی می کنند از شرایط داخلی ایران هم بهره خود را ببرند. یک تحلیلگر مسائل سیاست خارجی، درباره این موضوع گفت: اظهارات اخیر غربی ها علیه ایران ناشی از دو مساله است؛ نخست عدم احیای برجام و دوم اتهاماتی که در حوزه فروش پمپاد به روسیه به ایران می زنند که ایران هم گفت که پمپاد داده می اما اعلام کرد این ارائه پمپاد به قبل از جنگ روسیه و اوکراین بازمی گردد. به هر حال غربی ها باور دارند ایران در جنگ روسیه و اوکراین با روسیه همکاری کرده است و این موضوع حتی از مساله برجام برایشان مهم تر است. قاسم محبعلی اظهار داشت: روسیه هم در مقطع کنونی در حال عقب نشینی و شواهد نشان می دهد در جنگ شکست خواهد خورد مگر آنکه خواهش جنگ را گسترش دهد. در این شرایط طرف های غربی هم به روسیه و هم به ایران فشار وارد می کنند زیرا آنها را علیه خودشان در جنگ اخیر می دانند.» وی درباره فشارهای غربی ها به بهانه مشکلات داخلی خودنقوت اخیر ایران، بیان کرد: «به هر حال وقتی دعوایی میان دو یا چند کشور درمی گیرد آنها سعی می کنند با بهره گیری از ابزار های مختلف یکدیگر را تحت فشار قرار دهند. مقامات ما هم وقتی در فرانسه اعتراضاتی در گرفت، علیه فرانسه موضع می گرفتند یا درباره کشته شدن جرج فلوید در آمریکا همین شرایط وجود داشت. این ما هستیم که باید کاری کنیم که مردم راضی باشند و مشکلاتمان را حل کنیم کشوری نتواند از شرایط داخلی ما بهره خود را ببرد. این تحلیلگر مسائل سیاست خارجی درباره میزان احتمال بازگشت پرونده هسته ای ایران به شورای امنیت سازمان ملل متحد هم اظهار کرد: این امکان وجود دارد. هم محتمل است که مکانیزم ماشه فعال شود و هم اینکه بر اساس گزارش های مدیر کل آژانس بین المللی انرژی اتمی به شورای حکام احتمال مطرح شدن مجدد پرونده هسته ای ایران در شورای امنیت وجود دارد که اگر چنین شود عملاً دیگر هیچ آمیدی به احیای برجام نباید داشته باشیم و برجام تمام خواهد شد. محبعلی در پایان درباره اینکه چقدر گزینه نظامی غربی ها علیه ایران محتمل است، بیان کرد: جنگ یک موضوع پرهزینه است. من فکر نمی کنم هیچ یک از طرف ها علاقه ای به استفاده از این گزینه داشته باشند اما فراموش نکنیم که اینجا خودمیان است و باز یگران متعددی در این منطقه نقش آفرین هستند.

دکتر مجید ابهری در گفت و گو با «آرمان ملی»:

در خیابان هیچ مشکلی حل نمی شود

باید با رویکرد گفتمانی با دغدغه های نسل جدید مواجه شد

تهدیدها را به فرصت تبدیل کنید

از اینترنت به عنوان ابزاری برای افزایش سرمایه اجتماعی استفاده کنید

عمامه پرانی مذموم و ناپسند است

باید از حوادث اخیر درس بگیریم

باید زمینه های تخلیه هیجان نسل جدید را فراهم کرد

شبکه های اجتماعی می تواند ابزاری برای توسعه علم باشد نه تولید ناهنجاری



آرمان ملی - احسان انصاری: در شرایطی که اعتراضات اخیر در کشور در حال فروکش کردن است و اوضاع روبه آرامش می رود جامعه با این سوال مواجه است که تصمیم گیران جامعه باید چه رویکردی در پیش بگیرند که علاوه بر اینکه رضایت درونی در بین افراد جامعه افزایش پیدا کنند دیگر چنین بحران هایی در کشور به وجود نیاید. سوالی که از جنبه های مختلف باید مورد تجزیه و تحلیل قرار بگیرد. «آرمان ملی» برای پاسخ به این سوال و بررسی چشم انداز آینده کشور با دکتر مجید ابهری، جامعه شناس و رفتار شناس اجتماعی گفت و گو کرده است. ابهری معتقد است: «من معتقدم در خیابان هیچ مشکلی حل نمی شود و هر کس بگوید ما این مشکل را در خیابان حل می کنیم دشمن جوانان ما و امنیت و رفاه جامعه و کشور است. باید این مسائل در کرسی های آزاداندیشی که قرار بود سال های قبل گذاشته شود و در زمان تولد جوانمرگ شدد بیان شود. قرار دادن کرسی های آزاداندیشی و ایجاد گفتمان و آزادی بعد از گفتمان می تواند راهگشای حل این مشکلات باشد و گر نه هر کسی در خیابان به دنبال آزادی و یا تکامل و رشد فکری باشد یقیناً با اشتباه می کند و یا غرض دارد. با این وجود امروز برخی از فرزندان مسئولان به شکلی زندگی می کنند که نسل جدید را نسبت به آن حساس کرده است.» در ادامه ما حاصل این گفت و گورامی خوانید.

◀ در شرایطی که اعتراضات فروکش کرده و جامعه به سمت آرامش حرکت می کند تصمیم گیران جامعه باید چه رویکردی را در دستور کار خود قرار بدهند که دیگر شاهد چنین بحران هایی در جامعه نباشیم؟

در حوادث جاری که نسل های دهه های هفتاد و هشتاد و نود اصلی ترین اجزای اجرایی آن بودند نکته ای که وجود داشت و عدم شناخت نسل های یاد شده از وقایع و حوادث تاریخی و ضعف تجربه های آنها بود. از سوی دیگر حجم انبوه تبلیغات رنگارنگ دشمنان در فضای مجازی و شبکه های ماهواره ای مزید بر علت شد و بحران را تشدید کرد. این در حالی است که ضعف مدیریت های گذشته و انباشت خطاهای تلنبار شده روی هم و رات خورای ها و ویژه خورای ها و سوء استفاده از امضاهای طلایی و تورم و گرانی های ناشی از ۳ دهه تحریم های ظالمانه استکباری فشار زیادی را بر افشار کم در آمد و ضعیف وارد کرده است. نکته مهم این بود که در شعار های این روزها حرفی از زخم های ناسور و دردهای کهنه نیازمندان به میان نمی آید و خواسته های لاکچری بر خواست های مردم پیشی گرفته اند. ریاست قوه قضا در میان حرف هایشان از تبدیل تهدیدها به فرصت سخن گفته بود و چه بجا و منطقی بود. اگر قرار باشد فرصت های موجود

از دست رفته و به بهره برداری منطقی سوق نیابد حاصل این همه اتلاف انرژی چیست؟ واقعیت این است که اگر از حوادث اخیر درس نگرفته و تجربه نیاموزیم این حرکات فقط اتلاف انرژی و فرصت قلمداد خواهند شد. و چه خوش سرود آن شاعر که: «اگر بند خرمندان به شیرینی نیاموزی افلک آن پند را با تلخی دهد روزی.» به همین دلیل اگر از تجارب تلخ اتفاقات اخیر درس نگرفته و در خلق و بهره گیری از فرصت ها غفلت کنیم؛ باید منتظر آن روز های تلخ باشیم که نتایج این فرصت سوزی ها را همراه با سبلی تاریخ یاد گرفته و مرور کنیم. در همین روزها که کشور ما در بعضی از شهرها مواجه با ناآرامی های مختلفی بود کشور همسایه ما ترکیه بعنوان یکی از قلب های گردشگری منطقه مواجه با یک حرکت تروریستی بود که به قیمت جان حداقل ۹ نفر و جراحت ده ها نفر تمام شد. ضمن همدردی با خانواده های قربانیان این حادثه تلخ و غیر انسانی و طلب آموزش برای شهدای حرم شاهچراغ باید عرض کنم کشوری که در ظاهر از آرامش سیاسی و اجتماعی برخوردار است ناگهان در کوران یک حادثه تروریستی قرار می گیرد اما در کشور ما به رغم تمامی مشکلات نهادهای امنیتی و پلیسی در اوج اقتدار و آرامش از حریم رفا فکری جامعه پاسداری کرده و با دقت مراقب تحرکات تروریستی هستند.

◀ تحلیل شما از اتفاقی که این روزها برای برخی روحانیون در معابر عمومی رخ می داد و به «عمامه پرانی» موسوم شده بود چیست؟

عمامه پرانی به عنوان مولود این روزها ممکن است برای نسل های حاضر در خیابان جدید باشد اما برای ما که عمامه پرانی عبدا... نوری (وزیر کشور) و وقت اصلاحات را در نماز جمعه) و ده ها مورد دیگر را در نقاط مختلف دیده ایم این

صحنه ها دل آزار و ناپسند و تکراری است. یک روحانی که عمامه اش در کوچه و خیابان از سرش به زمین می افتد فردی معمولی و از جنس مردم عادی است و گر نه خدم و حشم و اسکورت وی چنین اجازه ای به کسی نمی داد. از نگاه رفتاری نسل هایی که امروز در خیابان ها مشاهده می شوند نسل هایی هستند که نه در پیروزی انقلاب و نه در جنگ حضور داشته اند بلکه نسل هایی از دهه های ۷۰ و ۸۰ و ۹۰ هستند؛ کسانی که پدر و مادر آن ها وظیفه رنگین کردن سفره هایشان را

برعهده دارند و آن ها در سفره آماده حاضر شده و رفته اند. از این جهت به آن ها نسل Z می گویم که آن ها نه در حال تحصیل هستند و در حال زحمت، یا ۲ سال به صورت آنلاین محصل بوده اند و غیر حضوری درس خوانده و به کلاس بالاتر رفته اند. از جهت دیگر نیز نه تخصص و نه اشتغالی دارند لباس و غذایشان آماده بوده و دچار انرژی های نهفته گشته اند. از نگاه دیگر از لحاظ هیجان های رفتاری طیف سنی یاد شده نیازمند تخلیه انرژی هستند، اگر به ورزش های مورد علاقه و توجه آن ها نظری بیندازیم، ورزش هایی از جمله جامپینگ و غواصی و کایت سواری و امثال آن ها همه و همه در زمینه هیجان آوری و تخلیه آن به اجرا در می آید. وقتی خانواده و نهادهای مسئول و متصدی امکان تخلیه انرژی را برای آنها فراهم نکنند آن ها به دنبال تخلیه انرژی خود می روند و همچنین اگر ما به آنها الگوهای رفتاری ارائه نکنیم خودشان بر اساس نیازهای غریزی به دنبال پیدا کردن الگوهای رفتاری رفته و سلبریتی ها را به عنوان نمادهای اخلاقی خود انتخاب می کنند. با توجه به مجموعه نکات گفته شده از طرفی با توجه به فشار اقتصادی که به جامعه و این گونه افراد وارد می شود و از یک طرف جوانان در اینستاگرام صفحه بچه پولدار ها را ایجاد کرده و سبک زندگی لوکس و گران قیمت خود را نشان می دهند، در حالی که اکثریت آنها حتی قادر به رفتن به یک سینما نیستند. این فاصله طبقاتی که ناشی از برخی رانت خوری و کسب

درآمدهای نامشروع و نجومی هستند باعث می شوند جوانان نسبت به نداشته های خود تحریک شده و این گونه خلأ ها در جامعه به نمایش بگذارند. در تمام دنیا گفتمان به عنوان یک راهکار در دانشگاه ها و مدارس وجود دارد. چگونگی می توان با رویکرد گفتمانی از چالش های کنونی عبور کرد؟

من معتقدم در خیابان هیچ مشکلی حل نمی شود و هر کس بگوید ما این مشکل را در خیابان حل می کنیم دشمن جوانان ما و امنیت و رفاه جامعه و کشور است. باید این مسائل در کرسی های آزاداندیشی که قرار بود سال های قبل گذاشته شود و در زمان تولد جوانمرگ شد بیان شود. قرار دادن کرسی های آزاداندیشی و ایجاد گفتمان و آزادی بعد از گفتمان می تواند راهگشای حل این مشکلات باشد و گر نه هر کسی در خیابان به دنبال آزادی و یا تکامل و رشد فکری باشد یقیناً با اشتباه می کند و یا غرض دارد. با این وجود امروز برخی از فرزندان مسئولان به شکلی زندگی می کنند که نسل جدید را نسبت به آن حساس کرده است. در شرایط کنونی مسئولان دولت های گذشته و فعلی در خارج از کشور زندگی می کنند. برخی آقا زاده ها در خارج از کشور اتومبیل هایی را سوار می شوند که حتی در ایران

اغلب مردم نمی توانند آن را تصور کنند. این گونه تبعیض ها در وضعیت تحصیلی و زندگی وضعیتنی را تداعی می کند که باعث نارضایتی مردم شده است. دولت باید در این زمینه قوانینی را تصویب کند که کسانی که دارای گذرنامه خارجی هستند و خانواده و فرزندان آنها در کشورهای دیگر مشغول تحصیل هستند حق ندارند در صورت بازگشت به کشور در مشاغل کلیدی مشغول به کار شوند. کسی که خود را به عنوان مسئول معرفی می کند باید این نکته را در نظر داشته باشد که

نکته مهم این بود که در شعار های این روزها حرفی از زخم های ناسور و دردهای کهنه نیازمندان به میان نمی آید و خواسته های لاکچری بر خواست های مردم پیشی گرفته اند

در مقابل مردم و کشور مسئولیت دارد. هنگامی که یک مسئول فرزندان خود را به کشورهای خارجی می فرستد باعث بدبینی مردم نسبت به وضعیت زندگی مسئولان می شود. به هر حال مردم در چنین شرایطی فرزندان خارج رفته مسئولان را با کسانی در داخل کشور مقایسه می کنند که شرایط تحصیل در دانشگاه های داخل کشور را ندارند. اگر قرار است این روند اشتباه متوقف شود دولت دورا در پیش دارد؛ نخست اینکه شرایطی را فراهم کند که فرزندان مسئولانی که در خارج از کشور زندگی می کنند به کشور بازگردند یا اینکه مسئولانی که از فرزندان آنها به دلایل مختلف در خارج از کشور زندگی می کنند در سمت های کلیدی و مهم مورد استفاده قرار بگیرند. در چنین شرایطی حداقل مردم رضایت بیشتری پیدا می کنند و از وضعیتی که امروز در آن قرار دارند خارج می شوند و به هر حال در شرایط کنونی مطالبه مردم بر خورد با مسئولانی است که به دلایل مختلف از پول بیت المال فرزندان خود را به خارج از کشور فرستاده اند. این برخورد باید با سلب مسئولیت از آنها نیز همراه باشد. در چهل سال گذشته ملت ایران آزادی واستقلال و مفاهیم اصیل اسلامی را به عنوان چراغ راه اصلی خود انتخاب کرده و تمام هزینه های جانی مالی ممکن را در این راه پرداخته و شدیدترین مشکلات را تحمل کرده اند. با این وجود در شرایط کنونی در مقابل کوهی از مشکلات قرار گرفته و منتظر گشایش ها و حمایت های عملی و کاربردی هستند.

◀ راهکار شما برای عبور از بحران های کنونی جامعه چیست؟ چگونه می توان سرمایه اجتماعی از دست رفته را بازگرداند؟

در شرایط کنونی کشور با بحران های زیادی در زمینه محیط زیست و اقتصاد مواجه است که هر کدام از این چالش ها نیازمند نگاه ویژه و برنامه ریزی دقیق دارد. از سوی دیگر در دنیای امروز اینترنت و شبکه های اجتماعی می تواند یکی از ابزار های افزایش سرمایه های اجتماعی باشد و نه کاهش آن. بسیاری از دولت ها با ارائه خدمات در شبکه های اجتماعی به شهروندان سرمایه و پشتوانه اجتماعی خود را تقویت می کنند. ورود هر فناوری در یک جامعه باید همراه با فرهنگ سازی و آموزش های لازم در زمینه کاربرد آن باشد. این صورت تهدیدات تبدیل به فرصت ها شده و کاربرد و استفاده منطقی و درست از آن فناوری در جامعه رشد و توسعه می یابد. اگر فرهنگ سازی

توسط رسانه های ما صورت می گرفت امروز فضای مجازی به جای آنکه جولانگاه افراد ناهنجار باشد می توانست به فرصتی برای توسعه علم و فرهنگ، خلق آثار هنری و برقراری ارتباطات مفید تبدیل شود. این وظیفه بر عهده رسانه ها به ویژه صداوسیما، نهادهای آموزشی و خانواده ها است؛ تا شکل صحیح بهره گیری از تکنولوژی های مدرن به جامعه و به ویژه جوانان آموخته شود. در شرایط کنونی به خاطر پایین بودن سطح نشاط اجتماعی و کاستی ها در زمینه تفریحات و امور رفاهی، سرگرمی اصلی بسیاری از افراد حضور در فضای مجازی و مطالعه اینگونه صفحات است. ایجاد نشاط اجتماعی، عرضه امکانات رفاهی، تفریحی و ورزشی ارزان قیمت یا رایگان می تواند پوششی برای کاهش اینگونه ناهنجاری ها شود. در حال حاضر فضای مجازی به نوعی بخشی از زندگی افراد شده است. در روزگار نه چندان دور کودکان و نوجوانان به دلیل محدودیت های آن زمان به جای اینکه از همان دوران کودکی با گوشی های موبایل و اینترنت آشنا باشند با دور همی های خانوادگی آشنا می شدند؛ این در حالی است که این روزها زندگی بدون فضای مجازی و اینترنت تقریباً برای کودکان و نوجوانان امکان پذیر نیست و نسبت به این فضا وابستگی دارند. به همین دلیل نمی توان به صورت مسلول با این موضوع برخورد کرد و بلکه نیازمند دقت نظر و آینده نگری است.

بهداری جهرمی
سخنگوی برهزینه دولت

«شک نکنید اگر یکی بخوریم دو تا می زنیم، فقط شاید بعضی ها را نتوانیم بگوییم.» «برای دولت مثل آب خوردن بود که از همان روزهای اول اجازه دهد تا نیروی انتظامی از گلوله های جنگی استفاده کند و هر کسی را به خیابان آمد بزندد و اینطور مردم بترسند و از خانه خارج نشوند» اینها رجز خواتنی وسط میدان جنگ نیست؛ بلکه صحبت های سخنگوی دولت است که به قصد آرام کردن معترضین به میان دانشجویان رفته تا به قول معروف هم خود را «جان نثار» دولت نشان دهد و هم تیری باشد در تاریکی که اگر به هدف خورد و موفقیتی کسب کرد آن را نگین کارنامه اش کند؛ اما عایدی این برنامه ها برای او چیزی در بعضی موارد جز گاف دادن نبود و برخی از این گاف ها پرهزینه شد که حتی صدای خودی ها هم در آمد. انتقادات به بهادری جهرمی به خاطر حرف هایش از همان دقایق اول شروع شد و کار به افشاگری علیه او رسید؛ مانند توثیتی که محمود صادقی، استاد دانشگاه تهران و نماینده سابق مجلس درباره تحصیلات سخنگوی جوان دولت رئیسی می نویسد: «وقتی می تونی مثل آب خوردن بدون طی مراحل علمی مرسوم عضو هیات علمی کن دانشگاه معتبر بشی، فکر می کنی دولت هم می تونه مثل آب خوردن، به نیروی انتظامی اجازه بده تّق تّق با گلوله جنگی به مردم شلیک کنه!» محمدحسین روان بخش نیز در یادداشتی در باب اظهارات آقای سخنگو نوشت: وقتی بهادری جهرمی، سخنگوی دولت، به دانشگاه خواجه نصیر رفت بعضی دولتی های با تجربه از او خواستند بی خیال دانشگاه ها شود؛ اما اگر اصرار بر سخنرانی و گفت و گو دارد، جمع های کنترل شده ای وجود دارد که می توان در آن جمع سخنرانی کرد اما مشکل از جای دیگری سر باز زد؛ گویا سخنگوی دولت تسلطی به کلمات ندارد اینکه «برای دولت مثل آب خوردن بود که از همان روزهای اول اجازه دهنه از گلوله های جنگی استفاده شود» کافی بود که جمع شدنی نیست. حالا سخنگوی دولت به دانشگاه فردوسی مشهد رفته و گفته که «اینستاگرام به خاطر اقدامات تروریستی فیلتر شده است.» با این دست فحران، همین روزهاست که سخنگوی دولت به سکوت مطلق دعوت شود.

◀ توصیه ای از جنس کنار گذاشتن

مرتضی مبلع، معاون سیاسی امنیتی وزارت کشور در دوران اصلاحات یکی دیگر از منتقدان جدی به صحبت های بهادری جهرمی است. او با اشاره به اظهارات سخنگوی دولت می گوید: بعضی از آقایانی که در دولت حضور دارند مثل آقای سخنگو، بسیار تازه کار و بی تجربه هستند و حرف های ناصواب هم می زنند. افرادی که بالادست سخنگوی دولت هستند باید مراقبت کنند. وقتی در این محافل حضور پیدا می کنند، طبیعی است چنین نتیجه ای به همراه خواهد داشت.

◀ وقتی داد خودی ها هم بلند شد

محمد آصفری، یکی از نمایندگان اصولگرای مجلس است که کرسی نایب رئیسی کمسیون شوراها را هم در اختیار دارد. او درباره صحبت های بهادری جهرمی و وعایش درباره شلیک مستقیم به مردم می گوید: اصلاً از اختیارات دولت نیست که بخواهند به نیروی انتظامی اجازه دهد تیر جنگی شلیک کند یا نکنند. این در حوزه اختیارات شورای عالی امنیت ملی است که تصمیم می گیرد از چه سلاخی در چه اتفاقاتی استفاده شود و دستورالعمل های خاص خودشان را دارند و این گونه نیست که کسی در دولت چنین اجازه ای داشته باشد که بر پایه آن سخنگوی دولت بگوید ما می توانستیم مانند آب خوردن مردم را با گلوله جنگی بزнім؛ اما دولت اجازه را به نیروی انتظامی نداد. منظورم این است که مساله خارج از اختیارات دولت است.

◀ ادامه سرایان گفاهای جنجالی

البته ماجرای بهادری جهرمی و حرف های پرسروصدا یش فقط به بحث های اعتراضات دو ماهه اخیر ختم نشد و پای موضوعاتی که آقای سخنگو سرشته ای از آن ندارد هم به دایره گفت و گو ها و اظهار نظر هایش باز شد مانند وقتی که از اینترنت ملی سخن گفت. بهادری جهرمی گفته است: «در فیلترینگ پیام رسان های خارجی به گونه ای تدبیر شد که مردم از پیام رسان خارجی به پیام رسان داخلی کوچ کنند، البته این فیلتر مسکن مقطعی است و سیاست دولت در حوزه فضای مجازی شبکه ملی اطلاعات است، در طول هشت سال گذشته شبکه ملی اطلاعات کمتر از ده درصد پیشرفت داشته؛ اما یک سال اول دولت سی درصد رشد و در مجموع چهل درصد رشد را نشان می دهد.» این صحبت ها که معلوم نیست افشاگری درباره نکته های دولت است یا اطلاعات دقیق نداشتن از آنچه در راهرو های وزار تخانه ها می گذرد در حالی مطرح می شود که در یک ماهه گذشته دو بار وزیر ارتباطات دولت سیزدهم درباره میزان پیشرفت شبکه ملی اطلاعات سخن گفته و تأکید کرده است سهم دولت قبل از دولت سیزدهم بیش از سی درصد بوده و در این دولت شبکه ملی اطلاعات بین ۲۵ تا ۴۰ درصد است. زاربع روز آخرین بار این جملات را در میان نمایندگان در کمیسیون فرهنگی و پس از آن در گفت و گو با سایت خانه ملت مجلس شورای اسلامی مطرح کرده است؛ خبری که در همه رسانه ها از جمله اینستاگرام منتشر شده است.